پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی | بخش (8)

در این بخش با استناد به کتاب " پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی" تالیف پژوهشگاه مطالعات تقریبی به شبهاتی که در موضوع تاریخچه فلسطین، مذهب مردم فلسطین، طوفان الاقصی و رابطه ایران و حزب ا، قوم یهود و ... مطرح می شود پاسخ داده خواهد شد.

سؤال اول

چرا نمی‌گوییم مرگ بر عراق؟!! چطور می‌گوییم مرگ بر اسرائیل درحالی‌که عراقی‌ها در ۸ سال جنگ تحمیلی بیش از یک میلیون ایرانی را کشته و معیوب کرد! چرا می‌گوییم مرگ بر اسرائیل وقتی که عربستان در سال 67 نزدیک به 500 زائر بیگناه ایرانی را در مکه به خاک و خون کشیدند؟! چرا میگوییم مرگ بر اسراییل درحالی که عراقیها به صورت گروهی به نوامیس ایرانیان در جنگ تجاوز می‌کردند! چرا مرگ بر اسراییل؟ وقتی ایران در جنگ با عراق فقط 1700 اسیر فلسطینی می‌گیرد؟! چرا مرگ بر اسراییل؟ درحالی که عرب‌ها به خلیج پارس خلیج عرب می‌گویند! و اسراییل می‌گوید خلیج پارس درست است! چرا مرگ بر اسراییل؟ درحالی‌که بشار الاسد به خلیج عربی رای داد! وقتی که حسن نصرا بیان می‌کند،

ایران تمدن نداشت و عرب‌ها تمدن را به ایران برده اند! بعید می‌دانم اسرائیل تاکنون حتی 4 ایرانی را کشته باشد! در حالیکه میلیونها ایرانی از زمان حمله عمر تا صدام به ایران، شهید شده‌اند! اندیشیده‌ای؟! همین فلسطینیها در جنگ ایران و عراق به طرفداری از صدام با ایرانیان میجنگیدند؟! کاسه داغ‌تر از آش یعنی چه؟

پاسخ

متن منتشر شده که گویا اول بار توسط مهدی خزعلی در شبکههای مجازی منتشر شد، دربردارنده شایعات مختلفی است که برای سهولت پاسخگویی هر فقره را جدا ذکر میکنیم.

سؤال دوم

چرا نمی‌گوییم مرگ بر عراق؟!! چطور می‌گوییم مرگ بر اسرائیل درحالی‌که عراقی‌ها در ۸ سال جنگ تحمیلی بیش از یک میلیون ایرانی را کشته و معیوب کردند!

پاسخ

ما نه فقط در زمان جنگ، بلکه تا پایان زندگی صدام، یکی از شعارهایمان مرگ بر صدام بود؛ چون این صدام و حزب بعث بود که با ما جنگید. اما چرا مرگ بر عراق و عراقی نمیگوییم چون مردم عراق با ما نجنگیدند. 65 درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل میدادند که اکثر آنان با جنگیدن با ایران مخالف بودند. عدهای از آنان که موفق به فرار شدند، از عراق بیرون رفتند که مجبور به جنگ با ما نشوند. عدهای از آنان به ایران آمدند و لشکر بدر را تشکیل دادند و وارد جنگ با عراق شدند. حتی برخی از اسیران عراقی نیز به لشکر بدر پیوستند. تعدادی از شیعیان و اهل سنت هم که جبراً به جبهه آورده شدند، واقعاً از جنگیدن با ایران ناراضی بودند، ولی مجبور بودند. بعد از جنگ هم همین عراقیها هستند که در مراسم اربعین اینگونه مخلصانه از ایرانیان مهمان نوازی میکنند. همین حشد الشعبی عراق بود که در سیل خوزستان مردانه با همه تجهیزان به کمک سیل‌زدگان ایرانی شتافت. بر این اساس، چرا باید مرگ بر عراق و عراقی بگوییم؟

بله هم در بین شیعیان و هم در بین اهل‌سنت بودند کسانی که با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مخالف بودند و هستند، اما آیا این مجوز میشود که با همین چوبی که آنان را می‌رانیم بقیه عراقیها

را نیز با همان چوب برانیم.

جالب است که همین شایعه‌پراکنان با منافقین نرد عشق می‌بازند درحالی‌که منافقین از سال 60 در کنار صدام قرار گرفتند و تحت حمایت صدام چند بار به ایران حمله کردند و در زندانهای عراقی بازجویی و شکنجه اسیران ایرانی را بر عهده داشتند.

علاوه بر این، چرا نباید بگوییم مرگ بر اسرائیل؟ مگر این اسرائیل در تمام طول جنگ یکی از حامیان اصلی صدام نبود؟

سؤال سوم

چرا میگوییم مرگ بر اسرائیل آن‌وقت عراقیها به‌صورت گروهی به نوامیس ایرانیان در جنگ تجاوز میکردند؟!

پاسخ

تجاوز به ناموس ایرانی که در مقیاسی بسیار محدود اتفاق افتاد مربوط به همان بعثیها بود که در پاسخ به فقره اول به آنها پرداختیم.

سؤال چهارم

چرا میگوییم مرگ بر اسرائیل وقتی که عربستان در سال 67 نزدیک به 500 زائر بیگناه ایرانی را در مکه به خاک و خون کشیدند؟!

پاسخ

بله سعودیها این کار را کردند، ولی تا سال گذشته مرگ بر آل سعود یکی از شعارهای مردم ایران بود. همچنان که دشمنی ما با وهابیت تمام‌شدنی نیست، اما ما به لحاظ وجود قبله مسلمانان و انجام فریضه حج ناچار به روابط با این رژیم وهابی هستیم.

ناگفته نماند، همین کسانی که امروز به کشتار ایرانیان در عربستان اعتراض دارند و اعتراضشان هم به حق است، وقتی عدهای از ایرانیان در عکس‌العمل به رفتار ظالمانه عربستان متعرض بعضی مراکز متعلق به عربستان در ایران شدند، به‌شدت از آل سعود حمایت کردند.

سؤال پنجم

چرا میگوییم مرگ بر اسرائیل درحالی‌که ایران در جنگ با عراق فقط 1700 اسیر فلسطینی گرفته بود؟!!!... همین فلسطینیها در جنگ ایران و عراق به طرفداری از صدام با ایرانیان میجنگیدند؟! کاسه داغ‌تر از آش یعنی چه؟

پاسخ

اسارت فلسطینیها آن هم در این مقیاس شایعه است. بله سازمان آزادی‌بخش فلسطین در جنگ از صدام حمایت کرد، ولی این ربطی به مبارزین فلسطینی ندارد. این سازمان سالیان سال است که با دشمن صهیونیستی کنار آمده است. اما تا به‌حال هیچ منبع مورداعتمادی وجود سرباز فلسطینی در جبهه جنگ علیه ایران را تأیید نکرده است. بله، قبل از جنگ اخباری غیررسمی مبنی بر حضور گروه جرج حبش مسیحی کمونیست در ناآرامیهای خرمشهر، وجود داشت، اما در جبهه‌های جنگ عراق و ایران خیر. علاوه بر اینکه فلسطینی‌ها اگر 1700 یا طبق شایعه دیگری 1200 اسیر در جنگ داشته باشند، باید حداقل 10000 نیرو به عراق اعزام کرده باشند که سازمان آزادی بخش فسطین هرگز چنین نیرویی را در اختیار نداشت.

سؤال ششم

چرا مرگ بر اسرائیل؟ درحالی‌که عرب‌ها به خلیج پارس خلیج عرب می‌گویند! و اسرائیل می‌گوید خلیج پارس درست است!

پاسخ

استعمال واژه خلیج عربی به‌جای خلیج‌فارس توسط هرکسی به کار رود اگر از روی خطا نباشد عملی خائنانه است. اما این دلیل نمیشود که چون عدهای از عربها چنین غلطی میکنند، ما از آرمانهایمان دست برداریم. فلسطین قبله اول ما و معراج گاه پیامبر9ماست و متعلق به مسلمانان است و موقعیتی

استراتژیک در منطقه خاورمیانه دارد که توسط مشتی صهیونیست غصب شده و به همین جهت ما میگوییم مرگ بر اسرائیل و مرگ بر صهیونیسم. به‌کاربردن لفظ خلیج پارس توسط اسرائیل هم دلیل ایران‌دوستی اسرائیل نیست، مگر نه این است که رژیم صهیونیستی بارها اعلام کرده دنبال نابودی ایران است. مگر مئیر عزری اولین سفیر رژیم صهیونیستی در ایران نیست که در خاطرات خود به موارد زیادی از دزدی آثار باستانی و عتیقه‌جات از ایران تصریح میکند. با این‌حال حال انتظار دارید ما نگوییم مرگ بر اسرائیل.

سؤال هفتم

چرا مرگ بر اسرائیل؟ درحالی‌که بشار الاسد به خلیج عربی رأی داد!

پاسخ

کجا چنین اتفاقی افتاد؟ مگر در جایی برای فارسی یا عربی‌بودن خلیج‌فارس رأی‌گیری شد که بشار اسد به خلیج عربی رأی داده باشد؟ در سایت وزارت خارجه سوریه نیز هیچ مطلبی نه در مورد خلیج‌فارس و نه در مورد خلیج عربی یافت نشد. به فرض، اگر هم چنین اتفاقی افتاده باشد، یک اشتباه نابخشودنی بوده که باید در جهت عدم تکرار آن اقدام نمود، اما اولاً این دلیل بر عدم مخالفت با رژیم اشغالگر قدس و سکوت در برابر جنایات آن نیست. ثانیاً مگر فلسطین مال بشار اسد است که به‌تلافی کار خطای او از فلسطین حمایت نکنیم. ثالثاً مگر همین حافظ‌اسد پدر بشار اسد نبود که در قضیه جنگ عراق علیه ایران، آن همه به ایران کمک کرد؟ چرا همه آنها را باید فراموش کنیم؟

سؤال هشتم

چرا مرگ بر اسرائیل؟ وقتی که حسن نصرا‌ بیان می‌کند، ایران تمدن نداشت و عرب‌ها تمدن را به ایران برده‌اند!

پاسخ

این دروغی است که به سید حسن نصرا‌ بسته شده و واقعیت ندارد. هیچ سند و مدرکی که نشان دهد نصرا‌ چنین چیزی گفته وجود ندارد.

سؤال نهم

بعید میدانم اسرائیل تاکنون حتی 4 ایرانی را کشته باشد!!! در حالیکه میلیونها ایرانی از زمان حمله عمر تا صدام به ایران، شهید شده‌اند! اندیشیدهای؟!

پاسخ

اگر تنها تعداد دانشمندان هستهای را که به اعتراف اسرائیل توسط این رژیم ترور شدند، در نظر بگیریم، تعداد بیش از 4 نفر است. تا چه رسد به فرماندهان شهیدی مانند گروه حاج احمد متوسلیان و شهیدانی مانند لطفی نیاسر.

اما کشته‌شدن میلیونها ایرانی از زمان عمر تا صدام، نیز از آن حرفهای عجیب است. در جنگ ایران و عراق که ایران 35 میلیون جمعیت داشت، تنها 190000 هزار نفر شهید شدند. که 16000 نفر از آنان در اثر بمباران و موشک باران به شهادت رسیدند و بقیه شهدای جبهه بودند. حال باید دید در زمان حمله عمر به ایران، آن هم در مقیاس ایران امروز، ایران باید چقدر جمعیت داشته باشد که میلیونها نفر از آنان کشته شده باشند. بعد هم مگر این کشورهای غربی و اربابان اسرائیل نبودند که تنها در جنگ جهانی اول با قحطی که برای مردم ایران به وجود آوردند، نیمی از جمعیت 15 میلیونی ایران را به کار مرگ کشیدند، و مگر جز این است که این فرزند نامشروع را آنها در این منطقه به وجود آوردند، چرا نباید بگوییم مرگ بر اسرائیل؟!!

سؤال دهم

چراغی که به خانه رواست به مسجد روا نیست. تازمانی که ما در داخل ایران فقیر داریم، چرا باید به فلسطین و لبنان کمک مالی کنیم؟

پاسخ

اولاً: کسی منکر وجود فقیر در ایران و منکر رسیدگی به زندگی فقیران ایران نیست و جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه خدمات زیادی را به فقیران ارائه داده و میدهد، اما در هیچ جای دنیا چنین نیست که اگر در کشورشان فقیر باشد، در حوادث پیش‌آمده از کمک به دیگر کشورها خودداری کنند. این

یک نوع بده‌بستان در سطح بین‌المللی است که در حوادث به یکدیگر کمک میکنند.

ثانیاً: وجود فقیر در کشور مجوز بی‌توجهی نسبت به دیگر مستضعفان عالم نیست و نه انسانیت و نه دین‌داری چنین اجازه‌ای را به انسان نمیدهد.

سؤال یازدهم

از آن جایی که برخی از مردم ایران راضی نیستند از حق مالیات ایرانی‌ها یا نفت به‌عنوان ثروت عمومی به خارجی‌ها کمک کنیم، آیا کمک به آن‌ها درست است؟

سؤال

اولاً: مقداری زیادی از کمکهای مادی ایران به فلسطین را کمکهای مردمی تشکیل میدهد. بسیاری از ایرانیان، انساندوست و خیر هستند که نمیتوانند تماشاگر مشکلات دیگر هم‌نوعان خود باشند، به‌خصوص اگر آن هم‌نوعان مسلمان هم باشند، و لذا در کمک به حادثه‌دیدگان پیش‌قدم هستند.

ثانیاً: کمکهای انسان‌دوستانه امری مرسوم بین دولتها و ملتها در سراسر جهان است و در هیچ جای جهان هم رضایت مردم را شرط نمیدانند. این یک نوع رسم بین‌المللی و در حقیقت نوعی بده‌بستان است.

ثالثاً: ذخائر زیر زمینی همانند نفت، از انفال و اموالی است که اختیار آن به دست حاکمی اسلامی است که باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمانان هزینه کند و در هزینه‌کرد آنان نیاز به اجازه مردم نیست.

رابعاً: در همه جهان حاکمان از حقوقی برخوردارند که بر اساس آن هر جا مصلحت کشور ایجاب میکند، میتواند کمک کنند و نیازی به اجازه از مردم نیست.

سؤال دوازدهم

کمک به فلسطین و لبنان چه سودی به حال ما دارد؟

پاسخ

اولاً: سود تنها سود مادی نیست، سود معنوی که در اثر کمک‌کردن به دیگران نصیب انسان میشود به‌مراتب اهمیتش بیشتر از سود مادی است.

ثانیاً: این دستور دین است که از افتادگان دستگیری کنیم.

ثالثاً: به قول سعدی بنی‌آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند. چو عضوی بدرد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار. این انسانیت انسان است که اقتضا میکند وقتی دردمندی را دید به او کمک کند.

رابعاً: ما اگر به جایی مانند لبنان، فلسطین و... کمک کنیم چنین نیست که مفت و مجانی و بدون عوض باشد. بلکه آنان هم به‌نوعی آن را جبران میکنند.

خامساً: همه کشورها در بیرون از مرزهای خویش منافعی دارند که باید آنها را حفظ کنند و اصولاً بخشی از فلسفه تشکیل وزارت خارجه در همه دنیا همین امر است. حفظ منافع نیز بدون هزینه امکان ندارد. تا به‌حال هیچ‌وقت از خود پرسیده‌اید چرا آمریکا چند تریلیون دلار در افغانستان و عراق و دیگر کشورها هزینه کرده و دهها هزار کشته در این زمینه داده است با اینکه هزاران کیلومتر با آمریکا فاصله دارند. هیچ تا به‌حال فکر کرده‌اید آمریکا در طول 75 سال که از عمر رژیم اشغالگر قدس میگذرد چقدر کمک بلاعوض به این رژیم کرده است و چرا کمک کرده است؟

سؤال سیزدهم

وقتی برخی از آنها از جمله گروه 14 مارس لبنان و تشکیلات خودگردان فلسطین با ما مخالف هستند، چرا باید به آنها کمک کنیم؟

پاسخ

ما که به گروههای مخالف کمک نمیکنیم ما به گروههای موافق کمک می‌کنیم و اگر به اینها کمک نکنیم، همان گروههای مخالف ما در این کشورها به قدرت خواهند رسید که منافع و امنیت ما را به خطر خواهند انداخت.